



سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی
معاونت بکارهای علمی و فرهنگی
اداره کل بکارهای علمی و امور ایرانیان خارج از کشور

رویدادهای فرهنگی - بین المللی زنان

بررسی مسائل زنان و خانواده در حوزه آفریقا-عربی

مقاله منتشر شده در کشور تونس با عنوان

طاهره قره‌العین؛

نخستین زن ایرانی که با لباس دین، برای او طناب دار یافتند

اداره ارتباطات فرهنگی بین المللی زنان

آدرس:

خیابان ولیعصر (عج) - نرسیده به سه راه فاطمی - نبش

کوچه مصیری پ ۱۹۲۴ ساختمان معاونت فرهنگی

تلفن: ۸۸۸۹۰۱۱۷

ایمیل: Omorebanovan@yahoo.com

رویداد نامه شماره ۴۹

دی ماه ۱۴۰۰

مقدمه:

تونس یکی از کشورهای اسلامی است که نگرش‌های فمنیستی از نوع غربی، در بین جامعه فرهیختگانی زنان آن کشور بسیار رواج داشته و همواره در این زمینه فعال و مؤثر می‌باشند، لذا به طور معمول در معرفی زنان مشهور سایر کشورها نیز این دیدگاه‌های فمنیستی تأثیر داشته و از این زاویه به موضوعات نگریسته می‌شود.

طبق گزارش اخیر رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در کشور تونس، مقاله‌ای با عنوان؛ "الطاهره قره العین، اول امرأة إيرانية نسجوا لها حبل مشنقة من عباءة الدين" به قلم خانم دیانا محمود در پایگاه خبری <https://tunigate.net> در کشور تونس منتشر شده است که عنوان فارسی مقاله مذکور؛ "طاهره قره العین، نخستین زن ایرانی که با لباس دین، برای او طناب دار بافتند" می‌باشد.

"فاطمه برغانی (زرین تاج، معروف به طاهره قره العین)، فرزند آمنه خانم قزوینی و ملا محمد صالح برغانی، در سال ۱۲۳۱ ق (و یا ۱۲۳۳ ق) در قزوین متولد شد. وی نام «آمنه» را در مهر امضای خود به کار می‌برد. در سال ۱۲۴۴ ق به عقد ازدواج پسرعمویش، ملا محمد در آمد و از او صاحب دو پسر و یک دختر شد.

پس از ازدواج، همراه شوهرش به کربلا سفر کرد و به مسلک شیخیه گروید و در پی اختلاف عقیده با همسرش از او جدا شد و پس از درگذشت سید کاظم رشتی، به جنبش بابیه پیوست. قره العین در جنگ میان قوای دولتی و بابیه در مازندران، در سال ۱۲۶۵ ق، دستگیر و به تهران منتقل شد. بعد از تلاش برخی از بابیان برای سوء قصد به ناصرالدین شاه، در سال ۱۲۶۸، دستور اعدام وی صادر شد."

با عنایت به اهمیت آگاهی از نحوه معرفی زن مسلمان ایرانی در کشورهای اسلامی و گستره فعالیت فرهیختگان و فعالان حوزه زنان و خانواده در عرصه جهانی، متن کامل مقاله در ادامه ارائه می‌گردد:

طاهره قره‌العین

نخستین زن ایرانی که با لباس دین، برای او طناب دار یافتند^۱

سه‌م بزرگی از ظلم تاریخ نگاران، نصیب خانم فاطمه برغانی از ایران شده است. پس از اعدام او، بیشتر آثارش از بین رفت و سیره او برای سال‌ها محو شد... اما او، پس از اینکه کشته و جنازه‌اش در چاهی انداخته شد، با نام "طاهره" شناخته شد.



در میانه قرن نوزدهم و به صورت مشخص در سال ۱۸۴۴، خانم فاطمه برغانی قزوینی که بعدها با نام طاهره شناخته شد، روی منبر خود در شهر کربلا به سخنرانی می‌پرداخت و با صدا، علم و روش سخنرانی خود، یک پدیده استثنائی از یک زن شرقی را در آن مرحله معرفی کرد. اما این استثنا، نتوانست در یک جامعه مردانه چندان دوام بیاورد، جامعه مردانه‌ای که نمی‌توانست بپذیرد یک زن جوان رؤیاپرداز، با او به بحث بنشیند. پس از آن، هشت سال از کربلا تا تهران در حال فعالیت بود تا اینکه در نهایت، صدایش در چاهی که جنازه‌اش را پس از اعدام در آن انداختند، خاموش شد. حکم اعدام او را یک روحانی صادر کرد و پادشاه قاجار، ناصرالدین شاه نیز آن را تأیید کرد تا نخستین زنی در ایران باشد که به اتهام فساد فی الارض در سال ۱۸۵۲ اعدام می‌شود.

حکایت یک زن و هزار داستان مردانه

تاریخ شرقی ما، داستان هیچ زنی را بدون اینکه به او ظلم کند یا هزار تهمت به او بزند، نقل نکرد و شاید فاطمه برغانی، سه‌م بزرگی از ظلم مورخان را به خود اختصاص داده باشد. پس از اعدامش، بیشتر آثار او از بین رفت و سیره او برای سال‌ها محو شد، ضمن اینکه منابعی که امروز در اختیار ما قرار دارد، بسیار مورد تردید است. نام این زن، با دو حالت همراه است: یا اتهام به فساد فی الارض و یا تقدیس مبالغه‌آمیز. هر دو حالت متناقض، نتایجی دارند که در آن از چهره یک زن زیبا و هوش و اهدافش بهره‌برداری شده است.

۱. این مقاله توسط رایزنی فرهنگی ج.ا.ایران در تونس ترجمه شده و هیچ‌گونه دخل و تصرفی در آن صورت نگرفته است.

بیشتر کتاب‌هایی که درباره فاطمه برغانی نوشته شده است، اتفاق نظر دارند که او در سال ۱۸۱۸ در یک خانواده معروف در شهر قزوین به دنیا آمده است. در کتاب "سفرنامه استر آباد و مازندران و گیلان" آمده است که فاطمه دختر بزرگ ملا صالح برغانی از خانواده‌های معروف در قزوین و نام واقعی او فاطمه و کنیه‌اش سلمه است و خویشاوندان و نزدیکانش او را "زرین تاج" می‌خوانند و لقب معروفش که همان "قره العین" باشد در جریان مکاتباتی که با شیخ کاظم رشتی داشت به او اعطا شد. اما دیگر لقب معروف او یعنی "طاهره" از سوی شیخ محمد علی باب شیرازی، بنیانگذار فرقه بابیه به او داده شد و او نخستین زنی است که به صورت آشکار کشف حجاب کرد.

خانواده استثنایی و فعالیت در مدرسه جمال الدین اسد آبادی

در ماجرای قره العین قزوینی، یک قهرمان دیگر نیز وجود دارد که پدر او، محمد صالح برغانی قزوینی، بنیانگذار مدرسه صالحیه در شهر قزوین است که بعدها جمال الدین اسد آبادی (۱۸۳۸ - ۱۸۹۷)، یکی از معروفترین احیاگران اسلامگرا، از آن فارغ التحصیل شد.

این مدرسه بزرگترین نقش را در ساختن شخصیت فاطمه که دوستدار علم بود و بعدها به یک خطیب توانمند تبدیل شد، ایفا کرد. شیخ محمد صالح برغانی امکان آموختن در این مدرسه سه طبقه را برای دخترش و سایر برادران و خواهرانش و همینطور برای خویشاوندان خود از میان مردان و زنان فراهم کرده بود و به شکل اساسی بر علوم دینی، علم کلام و ادبیات فارسی و عربی متمرکز بود.

مهدی نورمحمدی پژوهشگر ایرانی در کتاب خود با عنوان "قره العین: زندگی، عقیده و مرگ" نوشت که فاطمه از کودکی از دیگران برتر و از قدرت بحث در علوم دینی و حدیث برخوردار بود و سخنرانی‌های خصوصی خود را در مجالس پدرش از پشت پرده انجام می‌داد و به توانمندی در ارائه پاسخ‌های سریع که این پسرعموهایش را شگفت زده می‌کرد، شناخته شده بود. امری که باعث شد علاوه بر زیبایی خیره کننده‌اش، به عنوان یک دختر دانشمند و باهوش در قزوین شناخته شود.

در برخی منابع تاریخی دیگر این گونه آمده است که قره العین دانش آموز نبود، بلکه به دروسی که پسران در مدرسه می‌خواندند، گوش می‌داد اما شواهد تاریخی نشان دهنده آن است که خانواده قره العین به او افتخار می‌کرد.

پژوهشگری به نام معین الدین محرابی در کتاب خود با عنوان "قره العین شاعر ایرانی و منادی آزادی و ملی گرایی"، سخن برادرش ملا عبدالوهاب درباره دانش او را این چنین نقل کرد: «ما جرات نمی‌کردیم با قره العین بحث کنیم. او با قدرتی که داشت ما را می‌ترساند و ما برای حل اختلافات به او متوسل می‌شدیم».

پدر روشنفکر قره العین نمی‌توانست به آسانی از سنت‌های جامعه خود خارج شود و به همین دلیل، دختر بزرگ خود را به اجبار، به ازدواج پسر عمویش در آورد. بنابراین، قره العین گزینه‌های متعددی در اختیار نداشت به همین دلیل با پسرعمویش ازدواج کرد و در کنار او به کربلا سفر کرد و در آنجا چهار فرزند به دنیا آورد. اما ازدواج و سفر نتوانست مانع او در مسیر تکمیل مطالعه شود و حتی شاید افق‌های جدیدی را در برابر او گشود که نمی‌توانست به آسانی بدان دست یابد.

بین شهرها و مسالک دینی

درک گرایش‌های قره‌العین به طریقه شیخیه و سپس بابیه به بحث فقهی و عقیدتی نیاز دارد که در اینجا مجال پرداختن به آن نیست، اما آنچه که تردیدی در آن وجود ندارد این است که این مسئله همچنین به تحلیل روانی و اجتماعی نیازمند است. از یک سو ایران در اواسط قرن نوزدهم همزمان با بروز نتایج انقلاب صنعتی در اروپا، با یک بحران اقتصادی و سیاسی مواجه بود و با توجه به رابطه حکومت قاجاریه با اروپایی‌ها، باید علاقه به ایجاد تغییر و انقلاب به جامعه ایران سرایت می‌کرد. اما این مهم باید به گونه‌ای رقم می‌خورد که این جامعه متدین را به اندیشه "منجی" که برای شیعیان به امام مهدی مربوط می‌شود، شبیه سازد. اما دو طریقه شیخیه و بابیه که به یکدیگر مرتبط و از نظر زمانی به هم نزدیک هستند، بر اندیشه نزدیک بودن ظهور مهدی موعود مبتنی هستند و بنابراین طبیعی بود که در میان کسانی که خواستار رهایی از وضعیت کنونی هستند از مقبولیت بالایی برخوردار شوند.

تمایلات قره‌العین به عنوان یک پژوهشگر دینی به طریقه شیخیه و تبلیغ آن عجیب نبود. اگر ملا محمد تقی برغانی، عمو و پدر شوهر قره‌العین، بنیانگذار طریقه شیخیه یعنی شیخ احمد احسائی را تکفیر و او را از قزوین اخراج نمی‌کرد، مسیر زندگی قره‌العین تغییر نمی‌کرد و به این زودی به پایان نمی‌رسید. این تکفیر در سال ۱۸۲۶ صورت گرفت که طاهره در آن زمان یک دختر خردسال بود، اما وقتی که پای در سنین جوانی گذاشت، رسائل احسائی را مطالعه کرد و با جانشین او یعنی شیخ کاظم رشتی مکاتبه و وفاداری خود را به او اعلام کرد. طاهره پس از مرگ رشتی، به محمد علی باب شیرازی، بنیانگذار فرقه بابیه اعلام وفاداری کرد که این امر سراسر زندگی او را تغییر داد.

قره‌العین بعد از آنکه چند سال در کربلا زندگی کرد به همراه همسر خود در سال ۱۸۴۴ به قزوین بازگشت اما اختلاف با خانواده همسرش باعث شد که یک بار دیگر، به تنهایی و بدون خانواده به کربلا بازگردد. او در کربلا در منزل شیخ طریقه شیخیه یعنی کاظم رشتی مقیم شد و شروع به تدریس و تبلیغ عقایدش کرد، اما شکایت علمای دین در کربلا به نزد حاکم شهر و سنگ پراکنی آنها به خانه رشتی او را مجبور به ترک کربلا و عزیمت به کاظمیه و سپس بغداد کرد. علمای بغداد علیه میهمان تازه رسیده، به نزد نجیب پاشا والی عثمانی شکایت کردند و پاشا نیز او را در خانه مفتی حبس کرد تا بار دیگر بر منبرها خطبه نخواند و عقیده بابیه که به دنبال فرقه شیخیه ظهور کرد را تبلیغ نکند.

در آن زمان فرقه‌ای از مردم در حمایت از طاهره قره‌العین به نام "قرتیه" تشکیل شد، اما سلطان عثمانی در سال ۱۸۴۷ فرمانی مبنی بر بازگرداندن قره‌العین به ایران صادر کرد بنابراین او چاره‌ای نداشت جز این که به همراه طرفداران فرقه بابیه برای تبلیغ آموزه‌های باب بین شهرها و روستاها به رفت و آمد بپردازد، تا این که دولت قاجاریه او را دستگیر و بنیانگذار فرقه و همچنین مبلغان آن از جمله قره‌العین را اعدام کرد.

قره‌العین بدون حجاب: زنی در جستجوی تغییر اجتماعی و مبلغ دینی

در زمان پیش و پس از تولد قره‌العین قزوینی، وضعیت زن در جامعه ایران بسیار بد بود، به طوری که یک عنصر حاشیه‌ای تلقی می‌شد و تحت ظلم قرار داشت. در یک کتاب مهم راجع به دوران قاجار تحت عنوان "خاطرات تاج السلطنه" (۱۸۸۳ - ۱۹۳۶) دختر ناصر الدین شاه مطالبی را می‌بینیم که از وضعیت اسفناک زنان حتی در میان طبقه حاکم خبر می‌دهد. تاج السلطنه در این کتاب می‌نویسد: «کاش زنان در مملکت ما مانند زنان در دیگر ممالک آزاد بودند و حق دخالت در امور کشور و سیاسی را می‌داشتند... متأسفانه زنان ایرانی انسان تلقی نمی‌شوند و با آنها تنها مانند چهارپایان برخورد می‌شود و آنها باید تمام عمر از صبح تا شام در زندان خود به سر ببرند در حالی که زنان اروپایی حقوق خویش را مطالبه می‌کنند».

اصلاحات مذهبی و اجتماعی که مبلغ فرقه بابیت یعنی محمد علی باب شیرازی و پیش از آن، فرقه شیخیه بدان فراخواندند و مسلمانان شیعه آن را رد کردند، در برخی موارد به زنان اختصاص یافت که از آن جمله، طرح برخی ایده‌ها و تفکرات بود که از مهمترین آنها می‌توان به مخالفت با تعدد زوجات و دادن امتیازاتی به زنان در رابطه با طلاق و مهمتر از همه مخالفت با حجاب زنان اشاره کرد. طبعاً این بخش از اعتقادات فرقه بابیت مورد توجه دختر جوانی همچون قره‌العین قرار گرفت و باعث شد که با باب شیرازی مکاتبه کند که باب نیز از او استقبال کرد و او را به عنوان یکی از مبلغان عقاید بابیت به رسمیت شناخت. در اینجا سوالی مهم راجع به توجه ویژه شیرازی به دختری چون قره‌العین مطرح می‌شود که آیا باب تلاش داشت تا از یک بانوی سخنور معروف در عصر خود بهره‌برداری کند؟ آیا بزرگترین خدمت را مذهب جدید به قره‌العین کرد یا برعکس؟

قره‌العین نگاه ویژه خود را در مسائل زنان داشت و با اعتقادات گذشته مخالف بود. برخی از منابع تأکید می‌کنند که او حجاب را از سر برداشت و بدون حجاب با مردان دیدار می‌کرد و زنان را گرد هم جمع و آنها را به علم‌اندوزی تشویق می‌کرد، به ویژه اینکه او خود شاعر بود و اشعار خود را به صورت آواز می‌خواند.

برخی افراد، این جزئیات شخصی در زندگی یک زن شرقی را به عنوان دستاویزی برای قضاوت درباره طهارت او مورد استفاده قرار دادند که باعث شد جامعه و حتی برخی از نزدیکان قره‌العین شرافت او را زیر سوال ببرند. حتی برخی از مبلغان بابیت نیز از قره‌العین به باب شیرازی شکایت کرده و در عفت او تردید کردند، اما باب در پاسخ خود، او را طاهره نامید.

یکی از رخدادهای تاریخی که بیشتر تاریخ‌نگاران به اتفاق، آن را دلیل پایان زندگی طاهره قره‌العین قزوینی می‌دانند، حادثه کشف حجاب او در گردهمایی مبلغان فرقه بابیت در منطقه بدشت است که باعث شد برخی از این فرقه رویگردان شوند. امروز نیز نمی‌توان از اهمیت این اقدام و جسارت قره‌العین در آن شرایط تاریخی و اجتماعی کاست، اما این رخداد خلاصه مبارزات قره‌العین برای تغییر شرایط خود به عنوان زنی که جامعه او را به استضعاف کشیده است و تبدیل شدن به یک زن قدرتمند، دانشمند و فعال برای آزادسازی خود از سلطه مردان به شمار نمی‌آید و شاید تمرکز بر این مسئله هیچ کمکی به رویای قره‌العین نمی‌کند.

یک و نیم قرن از قتل او گذشت... اما جدل همچنان ادامه دارد

ابهامات بسیاری در زندگی شخصی قره‌العین وجود دارد که نمی‌توان با اطمینان درباره آن سخن گفت، زیرا منابع و پژوهش‌های بی‌طرف درباره او وجود ندارد اما پیروان فرقه بهائیت تلاش کردند تا طاهره را کاملاً به خود منسوب گردانند و بدین شکل او را از اهداف اجتماعی مستقلش جدا کردند. اما طرف مقابل تلاش کرد که اتهامات مختلفی را علیه او مطرح کند که مهم‌ترین آن‌ها دست داشتن در قتل عمویش محمد تقی برغانی است که بعدها به عنوان شهید ثالث از او یاد شد. نوادگان خانواده قره‌العین عمه خود را از هر دو تهمت پیروی از باب و دست داشتن در قتل جدشان مبرا می‌دانند. مهم‌ترین نواده این خانواده، سیاستمدار ایرانی معاصر علی اکبر صالحی است که به شدت از عمه خود دفاع کرد و البته هدف اتهامات برخی از تندروها نیز قرار گرفت.

تاج السلطنه دختر ناصر الدین شاه قاجار می‌گوید: «آرزو دارم به اروپا سفر کنم و با زنانی که آزادی‌شان را به دست آوردند دیدار نمایم و از آنها بخواهم که به آسیا نگاهی بیفکنند و حال ما را ببینند که چگونه بین دیوارهایی زندگی می‌کنیم که از ۵ ذرع بلندتر نیستند و هیچ پنجره‌ای ندارند و تنها درهای بسته‌ای دارند که در آن سویس نگهبانانی ایستاده‌اند». به نظر می‌رسد دختر پادشاه در آن زمان درک نکرد که زنی که پدرش چند سال قبل اعدامش کرده بود در مسیر احیای حقوق زنان حرکت می‌کرد اما راه خود را گم کرد و به وادی فرقه‌های دینی کشیده شد.

نویسنده عراقی به نام علی الوردی، یک فصل از کتاب خود با عنوان گزیده‌های اجتماعی از تاریخ جدید عراق را به قره‌العین اختصاص داد که مرکز نشر الجمل این فصل از کتاب را به صورت مستقل تحت عنوان "اینچنین قره‌العین را کشتند" منتشر کرد. الوردی روایت خود را به نقل از منابع متنوعی درباره قره‌العین مطرح کرد و شرح داد که چگونه او زلزله‌ای سخت در جامعه کربلا به پا کرد و نام او بر سر زبان‌ها افتاد و اینکه چگونه مردم به دو دسته طرفدار و مخالف او تقسیم شدند، امری که تا امروز همچنان ادامه دارد. اما به دور از واقعیت قصه طاهره قره‌العین که هرگز به اثبات نخواهد رسید، همگان به یگانگی و استثنایی بودن این زن به عنوان یک پدیده برجسته در عصر خود و تاریخ جدید شرق شهادت می‌دهند.

منبع:

<https://tunigate.net/posts/%D8%A7%D9%84%D8%B7%D8%A7%D9%87%D8%B1%D8%A9-%D9%82%D8%B1%D8%A9-%D8%A7%D9%84%D8%B9%D9%8A%D9%86-%D8%A3%D9%88%D9%84-%D8%A7%D9%85%D8%B1%D8%A3%D8%A9-%D8%A5%D9%8A%D8%B1%D8%A7%D9%86%D9%8A%D8%A9-%D9%86>